



## معیار گزینش قاضی از دیدگاه نهج البلاغه

محمد مصدق (مهدوی)  
قاضی دادگاه نظامی تهران

### قسمت پایانی

#### خلاصه‌ای از قسمت پیشین:

در شماره گذشته خواندیم که قاضی از دیدگاه نهج البلاغه باید دارای صفات و ویژگی‌هایی باشد که شش مورد از آنها را برشمردیم. موارد مذکور عبارت بودند از: قاضی باید از بین کسانی انتخاب شود که: ۱- کارها به او سخت نیاید و او را به ستوه نیاورد؛

۲- برخورد مخالفان (متداعیین) با یکدیگر او را خشمناک نسازد و لجوج نکند؛

۳- در اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق پس از آگاهی به آن، برای او دشوار نباشد؛

۴- طمع را از دل ریشه کن کند؛

۵- در شناخت موضوعات به تحقیقی اندک اکتفا نکند؛

۶- در شبهات از همه با احتیاط تر عمل کند.

اینک دنباله مطلب ...

۷- قاضی باید از بین کسانی انتخاب شود که: در یافتن دلیل اصرار او از همه بیشتر باشد.

«وَ أَخَذَ هُمْ بِالْحَجَجِ»

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که قاضی باید دارای آن باشد این است که متکی به استدلال باشد؛ یعنی در بحث و موضوع پرونده همراه با دلیل پیش برود و هیچ‌گاه برخورد عاطفی و احیاناً عجز و لابه یکی از طرفین او را تحت تأثیر قرار ندهد. قاضی باید مدرک و دلیل را چراغ و راهنمای خود قرار دهد و آنچنان عمل کند که حتی سفارش افراد مورد وثوق او نیز نتواند در برابر مدارک و شواهد موجود، نظر او را نسبت به یکی از طرفین عوض کند، چرا که امیرالمؤمنین علی(ع) این گونه حکم کردن را دور از عدالت می‌دانند. چنانچه فرموده‌اند: «لیس من العدل القضاء علی الثقة بالظن»، (۱) یعنی: داوری با گمان با اعتماد بر افراد مورد اطمینان دور از عدالت است.

گاهی مشاهده می‌شود که افرادی مؤمن، متقی و عادل، یکی از طرفین را به قاضی سفارش می‌کنند و دلیل سفارششان هم این است که گمان می‌کنند حق با آن طرف است و دوست دارند که حق به صاحب حق برسد؛ در حالی که از موضوع پرونده اطلاع کافی ندارند و نمی‌دانند که در پرونده حق با طرف دیگر است به طوری که اگر می‌دانستند سفارش نمی‌کردند. اینجاست که امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: قاضی باید تابع دلیل و مدرک باشد، و نباید سفارش و تلفن کردن افراد مورد اعتماد، او را از بررسی دلایل و مدارک غافل سازد که اگر این گونه عمل کند به دور از عدالت حکم کرده است. موضوع مهمی که در اینجا باید مورد توجه قاضی قرار بگیرد این است که از مجموع احادیث و روایات این باب استفاده می‌شود که قاضی در مسائل مربوط به حقوق الناس همان طوری که گفتیم، باید نهایت تحقیق و

۹- قاضی باید از بین کسانی انتخاب شود که: در کشف امور از همه شکیباتر باشد. «وَأَصْبِرْهُمْ عَلَى تَكْشِيفِ الْأُمُورِ» قاضی نباید دقت را فدای سرعت کند و در کشف حقیقت تعجیل نماید، بلکه باید با هوشیاری تمام و با صبر و حوصله به دنبال کشف حقیقت باشد.

گاهی مشاهده می‌شود که قاضی از پیگیری پرونده‌ای خسته می‌شود و چون می‌خواهد این پرونده از آمار شعبه کسر شود به هر صورت ممکن رأی می‌دهد و وجدان خود را با این جمله راحت می‌کند که «رأی من قابل اعتراض است و اگر مشکلی داشته باشد می‌توانند اعتراض کنند تا در مرجع بالاتر مجدداً رسیدگی شود». آیا این نوع قضاوت با روش علی(ع) در امر قضا سازگار است؟!

دو نفر دزد را خدمت امیرالمؤمنین علی(ع) آوردند که هر دو از بیت‌المال دزدی کرده بودند، یکی بردهٔ مردم و دیگری برده‌ای جزو بیت‌المال بود، امام فرمود: (۴) «برده‌ای که از بیت‌المال است حدی بر او نیست؛ زیرا مال خدا مقداری از مال خدا را خورده است، اما دیگری باید حد دزدی با شدت بر او اجرا گردد» (سپس دست او را برید).

آری، این است معنای دقت در امر قضا و فدا نکردن آن به «سرعت» که در روایات معصومین(ع) به آن سفارش شده است.

۱۰- قاضی باید از بین کسانی انتخاب شود که: پس از آشکار شدن حقیقت، در فصل خصومت از همه برنده‌تر باشد. «وَأَصْرَمَهُمْ عِنْدَ تَضَاحِ الْحُكْمِ»

هنگامی که قاضی محکمه پس از انجام تحقیقات لازم و روشن شدن موضوع، تصمیم به انشای رأی می‌نماید باید همچون کوهی استوار و شمشیری برنده و قاطع عمل کند. متداعیین از هر قشر و گروهی باشند نباید شخصیت آنها در رأی او تردیدی ایجاد کند و خدای نکرده با لحاظ یکی از طرفین، حکم کند.

در روایتی از امام صادق(ع) نقل شده است

### قاضی باید مدرک و دلیل

را چراغ و راهنمای خود قرار

دهد و آنپنان عمل کند که

متی سفارش افراد مورد

وثوق او نیز نتواند در برابر

مدارک و شواهد موجود،

نظر او را نسبت به یکی از

طرفین عوض کند

بیشتری برخوردار است، خداوند فرمود: آن کسی که آنگونه که برای خودش حکم می‌کند برای مردم هم آن‌گونه حکم کند.

امیرالمؤمنین علی(ع)، ابوالاسود دؤلی را در همان نخستین روز که به منصب قضا گمارده بود، عزل کرد و ابوالاسود چون فرمان عزل خود را دریافت کرد سراسیمه نزد امیرالمؤمنین شتافت و گفت: یا امیرالمؤمنین! علت عزل من چیست؟ در صورتی که به خدا قسم نه خیانت کرده‌ام و نه متهم به خیانت شده‌ام. امیرالمؤمنین فرمود: تو در ادعای خود صادقی و در انجام وظیفه شرط امانت را رعایت کرده‌ای؛ لکن به من اطلاع داده‌اند که چون متداعیین برای محاکمه نزد تو می‌آیند تو بلندتر از ایشان سخن می‌گویی. (۳)

آری، این علی(ع) است که پیامبر(ص) در حق او فرمود: «اقضیکم علی» برترین شما در امر قضا، علی است. گرچه ما نمی‌توانیم مثل او باشیم، لیکن باید به مولای خود تاسی نماییم.

دقت و پیگیری را انجام دهد تا حقوق اشخاص ضایع نگردد؛ اما در مسائل مربوط به حقوق الله، شارع مقدس دوست ندارد که موضوع خیلی پیگیری شود و حد اجرا شود، و همین دلیل شرافت انسان است که خداوند دوست ندارد آبروی انسان ریخته شود و لذا پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «ادْرَأُوا الْخُدُودَ عَنِ الْمُسْلِمِينَ مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنْ وَجَدْتُمْ لِلْمُسْلِمِ مَخْرَجًا فَخَلُّوا سَبِيلَهُ» (۲) ترجمه: اگر (در مراحل اقرار یا بیینه) راه فراری پیدا کردید (از آنها استفاده کنید تا دلایل اثبات حد مشتبه گردد) و طرف را آزاد کنید.

بنابراین، قاضی باید تا جایی که می‌تواند در حقوق الناس به دنبال دلیل باشد؛ ولی در حقوق الله سعی در اثبات اتهام نداشته باشد بلکه تا جایی که می‌تواند وسیله‌رهایی متهم را فراهم نماید.

۸- قاضی باید از بین کسانی انتخاب شود که: از مراجعهٔ پیاپی شاکیان خسته نشود.

«وَأَقْلَبْهُمْ تَبْرُمًا بِمِرَاجَعَةِ الْخَصْمِ» مراجعهٔ مکرر متداعیین و احیاناً جسارت و بی‌بروایی آنان نسبت به محضر دادگاه نباید موجب خستگی و دل‌تنگی قاضی شود؛ همان‌گونه که قاضی اسیر شهوت نیست همچنین نباید گرفتار غضب هم بشود، بلکه باید با ملایمت و بردباری به اظهارات آنان گوش دهد و به حل و عقد امور اقدام نماید.

بدیهی است که متداعیین هیچ‌گاه بی‌دلیل به محکمه مراجعه نمی‌کنند حتماً مشکلی دارند که در راه حل آن از قاضی کمک می‌خواهند و قاضی در این مواقع نباید با غضب و پرخاش پاسخ آنها را بدهد، بلکه اگر یک لحظه خود را به جای آنها بگذارد، می‌تواند بفهمد که چگونه باید با آنها رفتار کند. از پیامبر گرامی اسلام روایت شده است که فرمود: «قال موسی: یا رب ای الناس احکم قال: یحکم للناس کما یحکم لنفسه» ترجمه: حضرت موسی از خداوند سؤال کرد: چه کسی «احکم» است؟ یعنی حکمش از استحکام

که امیرالمؤمنین به عمر بن الخطاب - موقعی که خلیفه و زمامدار بود- فرمودند: «سه چیز است که اگر عمل کنی، به وظیفهات عمل کرده‌ای و اگر عمل نکنی، رعایت امور دیگر تو نیز بی نتیجه است. عرض کرد: «وما هی یا اباالحسن»، آن سه چیز چیست؟ حضرت فرمود: «أَقَامَةُ الْحُدُودِ عَلَى الْقَرِيبِ وَالْبَعِيدِ وَالْحُكْمُ بِكِتَابِ اللَّهِ فِي الرِّضَا وَالسُّخْطِ وَالْقِسْمِ بِالْعَدْلِ بَيْنَ الْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ» (۵)، ترجمه: اول؛ اقامه حدود الهی و اجرای آن به صورت مساوی بین مردم، به طوری که هیچ گونه فرقی بین آشنایان و غریبه‌ها نگذاری.

دوم؛ حکم و قضاوت نمودن طبق قرآن و کتاب الهی، چه در حال خشنودی و چه در حال غضب.

سوم؛ توزیع و تقسیم عادلانه بین تمام مردم به طوری که سرخ و سیاه (سفید و سیاه) بودن موجب فرق نگردد.

مقتضای فرمایش امیرالمؤمنین این است که همه در برابر قانون، مساوی و قانون در حق همه باید یکسان اجرا گردد، و مردم در نظام جمهوری اسلامی از قوه قضائیه انتظار پیاده کردن روش علی (ع) را دارند.

۱۱- قاضی باید از بین کسانی انتخاب شود که:

ستایش فراوان او را فریب ندهد و چرب زبانی او را منحرف نسازد «مَنْ لَا يَذْهَبُ بِإِطْرَاءٍ وَلَا يَسْتَمِيلُهُ أَغْرَاءٌ»

شکی نیست که ریاست طلبی و چاپلوسی مکمل یکدیگرند. افراد ریاست طلب، نیروهای متملق و چاپلوس را دوست دارند؛ زیرا به وسیله آنها غریزه ریاست طلبی و قدرت طلبی خود را ارضا می کنند. بنابراین، با توجه به اینکه قاضی نباید ریاست طلب و قدرت طلب باشد، چاپلوسی و تملق دیگران نیز در او اثر نمی گذارد و قاضی هیچ گاه زمینه را برای آدمهای متملق و چاپلوس هموار نمی سازد.

امیرالمؤمنین در قسمتی از نامه خود به

مالک اشتر می نویسد: «از خودپسندی و تکیه بر آنچه تو را به خودستایی و خوشایند از چاپلوسی وامی دارد، بپرهیز که این از حساسترین لحظات نفوذ شیطان است که به وسیله آن، کار نیک نیکوکاران را بر باد می دهد» (۶).

امیرالمؤمنین در جمع نیروهای خود در جنگ صفین طی خطبه‌ای این چنین فرمود: (۷) «... و از پست ترین حالات حاکمان نزد مردم نیکوکار آن است که گمان فخر و خودستایی به آنها داده شود و کردارشان حمل به کبر و خودخواهی گردد...».

در "سنن ابن ماجه" و "سنن ترمذی" از اصحاب رسول خدا (ص) نقل شده است که: «أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ أَنْ نَحْتُوا فِي وَجْهِ الْمَدْحِجِينَ الثَّرَابَ» ترجمه: رسول خدا به ما امر فرموده‌اند که به صورت مدح کنندگان خاک بپاشیم.

بنابر همین جهت، علی (ع) فرمود: «قاضی باید از میان کسانی انتخاب شود که ستایش و چرب زبانی او را منحرف نسازد».

### قاضی باید تا جایی که

می تواند در حقوق الناس

به دنبال دلیل باشد: ولی در

حقوق الله سعی در اثبات

اتهام نداشته باشد بلکه تا

جایی که می تواند وسیله

هایی متهم را فراهم نماید

این یازده صفت، مجموعه اوصافی است که امیرالمؤمنین (ع) برای انتخاب و گزینش قاضی صالح ذکر می کند و پس از آن، بیان خود را با یک جمله کوتاه، این گونه پایان می بخشد: «واولئك قليل»، یعنی: چنین مردمی که واجد همگی این اوصاف و شرایط باشند نادر و کمیابند.

سپس امام (ع) در ادامه نامه می فرماید: مالک! «ثم أكثر تعاهد قضائه» یعنی: پس از انتخاب قاضی (با شرایطی که گفته شد)، هر چه بیشتر در قضاوتهای او نظارت کن تا مبادا در وسط راه منحرف شود، «وأفسح له في البذل ما يزيل عنه و تقل معه حاجته الى الناس» یعنی: آنقدر به او ببخش که نیازهای او برطرف گردد و به مردم نیازمند نباشد، «واعطه من المنزلة لذيك ما لا يطعم فيه غيره من خاصتك، ليأمن بذلك اغتيال الرجال له عندك» یعنی: از نظر مقام و منزلت آنقدر او را گرامی بدار که نزدیکان تو، به نفوذ در او طمع نکنند تا از توطئه آنان در نزد تو در امان باشند.

امیرالمؤمنین علی (ع) پس از آن که از بیان صفات و ویژگیهای قاضی صالح فارغ می شوند، سه نکته مهم را به مالک سفارش می کنند: ۱- نظارت مستمر در کار قضات، ۲- تأمین نیازهای مادی قضات، ۳- حفظ مقام و منزلت قضات.

باتوجه به اینکه در خصوص نکته اول و سوم، دو مقاله جداگانه خواهم نوشت، لذا در پایان این مقاله، به نکته دوم به طور اجمال اشاره می کنم.

### تأمین زندگانی ابرومند برای قاضی

گرچه قضا و حکم کردن میان مردم، از دیدگاه اسلام از جمله عبادات محسوب می شود و از این رو، قاضی در مقابل انجام این وظیفه نمی تواند از متداعیین تقاضای اجرت نماید؛ اما در صورتی که حاکم و ولی فقیه او را به این سمت منصوب نمایند، مزد و حقوق او از بیت المال پرداخت خواهد شد؛ زیرا قاضی نیز مانند سایر مردم نیازهایی دارد که باید برآورده شود.

سوی سوم به هوا و هوسهای سست کننده؛ و سوی چهارم آن، به شیطان گمراه کننده ختم می شود و در خانه به روی شیطان گشوده است.

این خانه را فریب خورده آزمند، از کسی که خود بزودی از جهان رخت برمی بندد، به مبلغی که او را از عزت و قناعت خارج و به خواری و دنیاپرستی کشانده، خریداری کرده است.

هرگونه نقص و خسارتی که در این معامله باشد برعهده کسی (عزرائیل - پروردگار) است که اجساد پادشاهان را پوسانده و جان جباران را گرفته و سلطنت فرعونها (۹) - چون «کسری» و «قیصر» و «تبع» و «حمیر» را نابود کرده است و آنان که مال فراوان گردآورده برآن افزودند و آنان که قصرها ساخته و محکم کاری کردند، طلاکاری کرده و زینت دادند، فراوان اندوختند و نگهداری کردند و به گمان خود برای فرزندان خود باقی گذاشتند؛ همگی آنان به پای حسابرسی الهی و جایگاه پاداش و کیفر رانده می شوند، آنگاه که فرمان دادرسی و قضاوت نهایی صادر شود، «پس تبهکاران زبان خواهند دید» به این واقعیتها عقل گواهی می دهد، هرگاه که از اسارت هوای نفس نجات یافته و از دنیاپرستی به سلامت بگذرد.

**پی نوشتها:**

- ۱ - نهج البلاغه، حکمت ۲۲۰.
- ۲ - معالم القرية في احكام الحسبة، باب القضاء.
- ۳ - عدالت و قضا در اسلام.
- ۴ - نهج البلاغه، حکمت ۲۷۱.
- ۵ - وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۵۶.
- ۶ - نهج البلاغه، نامه ۵۳.
- ۷ - نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷.
- ۸ - نهج البلاغه، نامه ۳.
- ۹ - «فرعون» لقب پادشاهان مصر، «کسری» لقب پادشاهان ایران، «قیصر» لقب امپراتوران روم، «تبع» لقب فرمانروایان یمن و «حمیر» لقب پادشاهان جنوب عربستان پیش از اسلام بود.

رسیده است که تو خانه ای به قیمت هشتاد دینار خریده ای و قباله ای در این باره نوشته ای و شهودی را به شهادت خواسته ای».

شریح گفت: چنین بوده است یا امیرالمؤمنین.

در این هنگام امیرالمؤمنین نگاهی خشم آلود به او افکند و فرمود: ای شریح! آگاه باش که بزودی کسی به سراغ تو خواهد آمد که در قبالات ننگرد و از شاهد و بینات نپرسد تا تو را از آن خانه آواره سازد و بر زرفای گور سپارد، پس بیندیش ای شریح تا مبادا این خانه را با مال دیگران یا با پول حرام نخریده باشی، که آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده ای. اما اگر هنگام خرید خانه، نزد من آمده بودی برای تو سندی می نوشتم که دیگر برای خرید آن به درهمی یا بیشتر، رغبت نمی کردی، آن سند را چنین می نوشتم:

بدیهی است که متداعین  
هیچ گاه بی دلیل به مکتبه  
مراجعه نمی کنند ممتما  
مشکلی دارند که در راه حل آن  
از قاضی کمک می فوهند و  
قاضی در این مواقع نباید با  
غضب و پرفاش پاسخ آنها را  
بدهد، بلکه اگر یک لحظه خود  
را به جای آنها بگذارد،  
می تواند بفهمد که چگونه  
باید با آنها رفتار کند

این خانه ای است که بنده ای خوار و ذلیل، آن را از مرده ای آماج کوچ خریده، خانه ای از سرای غرور، که در محله نابود شدگان قرار دارد، این خانه به چهار جهت منتهی می گردد؛ یک سوی آن به آفتها و بلاها (پیشامدهای ناگوار)؛

سوی دوم آن به مصیبتها و اندوهها؛

می دانیم که از قضاوت کردن در حال تشویش، دغدغه و با حواس پرتی و عجله و ... نهی شده است. بنابراین، باید قاضی از همه جهات تأمین شود تا با خیال راحت و آسوده به امرخطیر قضا بپردازد و لذا علی (ع) می فرماید: «ای مالک! آنقدر به قاضی ببخش تا همه نیازهای او برطرف گردد». این نوع دستور درخصوص تأمین مایحتاج قاضی، درباره هیچ کدام از کارگزاران دولتی، نه از سوی پیامبر گرامی اسلام و نه از سوی ائمه معصومین (ع) صادر نشده است و این به خاطر این است که قاضی، نیازمندیهایش تأمین شود و در مقام دادرسی، دهان به رشوه نیلاید و محکمه عدالت را قلعه دزدی قرار ندهد.

امیرالمؤمنین علی (ع) از یک سو در خصوص تأمین نیازها و مایحتاج قضاوت و ترتیب یک زندگانی آبرومندانه برای آنان، آن گونه تأکید می کند که درباره هیچ منصبی آن چنان سخن نگفته است؛ آنگاه که خطاب به مالک می فرماید: «وافصح له فی البذل ما یزیل علته و تقل معه حاجته الی الناس» یعنی: در بذل و بخشش به قاضی چنان دست جود و سخا را گشوده دار که او را از علت تهیدستی برهاند و با دریافت آن، احتیاجش به مردم تخفیف یابد. و از سوی دیگر، همواره تأکید می کند که مال دنیا و ثروت برای انسان شرافت نمی آورد و ماندگار نیست، تا جایی که می فرماید: «فی حلالها حساب و فی حرامها عقاب» یعنی: (ای مردم! بدانید) حتی درخصوص مال و ثروتی که از راه حلال به دست آمده باشد، محاسبه و حسابرسی خواهد بود و ....

«شریح بن الحارث» قاضی امیرالمؤمنین (ع) در روزگار خلافت آن حضرت، خانه ای به مبلغ هشتاد دینار خریداری کرد، چون این خبر به امیرالمؤمنین (ع) رسید، او را نزد خویش فراخواند و مطالب آموزنده ای به ایشان فرمود که ما به عنوان حسن ختام، آن را نقل می کنیم (۸).

حضرت فرمود: «ای شریح! به من گزارش